



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۱

مصادف با: ۱۵ جمادی الثانی ۱۴۳۳

جلسه: ۱۰۴

موضوع کلی: امتثال حکم

موضوع جزئی: کلام صاحب منتقی الاصول

سال: سوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

عرض شد محقق نائینی و تا حدودی مشهور بزرگان قائل به عدم کفایت امتثال علمی اجمالی در فرض تمکن از امتثال تفصیلی هستند، ما کلام ایشان را نقل کردیم و اشکالاتی هم که به ایشان متوجه بود بیان شد.

کلام صاحب منتقی الاصول:

صاحب منتقی الاصول ادعا می‌کند برای عدم اکتفاء به امتثال علمی اجمالی در فرض تمکن از امتثال تفصیلی، تقریبی غیر از تقریبات مذکور در کلمات علماء دارد که ما کلام ایشان را بیان و سپس بررسی می‌کنیم ببینیم آیا وافی به مقصود است یا خیر؟ پس مدعای ایشان عدم کفایت امتثال علمی اجمالی در فرض تمکن از امتثال تفصیلی است؛ یعنی انسان تا زمانی که بتواند امتثال تفصیلی کند چه به طریق قطع و چه چیزهایی که جانشین قطع هستند و معتبرند مثل ظن خاص یا حتی امتثال به حکم ظاهری، نمی‌تواند امتثال اجمالی داشته باشد. البته این بیان همان طور که از محقق نائینی هم نقل کردیم منحصر در جایی است که امتثال علمی اجمالی مستلزم تکرار باشد که اگر مستلزم تکرار نباشد همان گونه که محقق نائینی هم اشاره کردند اشکالی در امتثال علمی اجمالی نیست.

ایشان به طور خلاصه می‌خواهد بگوید که اگر امتثال اجمالی مستلزم تکرار عمل باشد فعل به داعی قربی خالص صادر نخواهد شد بلکه صادر به داعی قربی و داعی دنیوی خواهد بود؛ یعنی عبادیت عبادت به هم می‌خورد، اگر مثلاً کسی ظهر جمعه بخواند هم نماز جمعه بخواند و هم نماز ظهر؛ یعنی امتثال علمی اجمالی و احتیاط کند نتیجه‌اش این است که عبادتی که یا نماز ظهر است یا نماز جمعه محقق نشود؛ چون در عبادت قصد قربت و تقرب لازم است و اتیان به اطراف علم اجمالی جلو تقرب را می‌گیرد و قصد قربت متمسّی نمی‌شود.

مقدمه:

ایشان مقدمه تقرب را معنا می‌کند و می‌گوید تقرب به وسیله انجام دادن عمل و تکلیف به ضمیمه داعی مقرب حاصل می‌شود؛ یعنی اگر عمل انجام شود اما داعی مقرب نباشد تقرب حاصل نمی‌شود، البته عنوان داعی که گفته می‌شود ممکن است به ذهن خطور کند که باید قبل از عمل باشد در حالی که داعی همان علت غائی است و علت غائی بعد از عمل محقق می‌شود، اینجا هم تقرب یا داعی مقرب بعد از انجام عمل حاصل خواهد شد و وقتی که ما نماز را خواندیم قرب به خدا پیدا می‌کنیم و بعد از صلوة است که داعی، وجود خارجی پیدا می‌کند، پس وجود خارجی داعی بعد از عمل است لکن وجود

تصوری و علمی داعی قبل از عمل است، شما هر عملی که بخواهید انجام دهید غایت و علت غائی را در ذهن خود تصور می‌کنید و این تصور است که حرکت و انگیزه برای انجام آن کار را ایجاد می‌کند ولی هدف بعد از انجام کار محقق خواهد شد. در همه اهداف مطلب از همین قرار است که ابتدا انسان هدف را تصور می‌کند ولی بعد از عمل به آن هدف می‌رسد در ما نحن فیه هم داعی بر صلوة یک داعی قریبی است چون در عبادات باید داعی مقرب باشد که وجود خارجی این داعی بعد از نماز است اما قبل از خواندن نماز حتماً باید داعی در ذهن مکلف تصور شود لذا ایشان معتقد است نمی‌شود عمل را به داعی امر اتیان کرد؛ چون خود امر از چیزهایی است که سابق بر عمل است در حالی که داعی بعد از عمل محقق خواهد شد و ما نمی‌توانیم عمل و نماز را به داعی امر اتیان کنیم؛ چون امر به صلوة قبل از صلوة محقق شده که سابق بر عمل است و وجود خارجی امر قبل از صلوة است نه اینکه وجود خارجی امر بعد از صلوة تحقق پیدا کند پس ما نمی‌توانیم عمل را به داعی امر اتیان کنیم بلکه باید عمل را به داعی امتثال امر اتیان کرد؛ چون امتثال امر بعد از عمل است. امتثال امر همان موافقت با امر در خارج است. زمانی که انسان دارد نماز می‌خواند در حین خواندن نماز مکلف ممتثل و مطیع محسوب نمی‌شود و وقتی که عمل را با همه اجزاء و شرائطش اتیان کرد اگر موافق با دستور و امر مولی بود مطیع محسوب می‌شود و گفته می‌شود امتثال تحقق پیدا کرده؛ یعنی داعی در خارج محقق شده پس آن چیزی که مقرب است موافقت با امر در خارج است.

پس ما در این مقدمه چند مسئله را اشاره کردیم؛ یکی اینکه تقرب به اتیان عمل به ضمیمه داعی مقرب حاصل می‌شود، دوم اینکه داعی بر عمل اگر چه محرک انسان به سوی عمل است اما در واقع بعد از عمل محقق می‌شود و وجود خارجی داعی که همان قرب است بعد از عمل محقق می‌شود و آنچه که قبل از عمل به عنوان داعی محسوب می‌شود در واقع وجود تصویری و علمی داعی است، سوم اینکه آنچه که ما به عنوان قصد قربت در عمل لازم داریم این است که عمل را به داعی امتثال امر انجام دهیم نه به داعی امر چون داعی و علت غائی بعد از عمل محقق می‌شود در حالی که امر قبل از عمل است و وجود خارجی داعی یا همان مقرب یا همان امتثال بعد از عمل محقق می‌شود، امتثال امر همان موافقت امر است. گفته نشود که معنی ندارد امتثال بعد از عمل باشد و فکر نکنید امتثال همان عمل است که انجام می‌شود چون در حال انجام عمل انسان نه ممتثل است و نه مطیع بلکه وقتی که عمل تمام شود و با همه اجزاء و شرائط اتیان شود شخص ممتثل و مطیع محسوب می‌شود.

تقریب صاحب منتقی الاصول:

ایشان بعد از ذکر این مقدمه می‌فرماید در جایی که ما علم اجمالی به واجبی داریم (شبهه مقرون به علم اجمالی) و آن واجب مردد بین دو عمل است که احتمال دارد هر یک از آن دو واجب باشد؛ مثلاً علم اجمالی داریم به اینکه ظهر جمعه نمازی بر ما واجب است اما نمی‌دانیم این نماز، نماز ظهر است یا نماز جمعه در این صورت ما نمی‌توانیم این دو عمل را به داعی قریبی اتیان کنیم، ما وقتی می‌خواهیم نماز ظهر را بخوانیم به داعی احتمال امر به نماز ظهر می‌خوانیم و وقتی هم نماز جمعه

را می‌خوانیم به داعی احتمال امر به نماز جمعه می‌خوانیم؛ چون احتمال دارد هر یک از این دو نماز واجب باشد و احتمال امر سابق بر عمل است همان گونه که علم به امر هم سابق بر عمل است؛ یعنی وقتی ما یقین به امر داریم عمل را انجام می‌دهیم پس علم به امر، سابق بر عمل است و احتمال به امر هم سابق بر عمل است، این بدین معنی است که احتمال مترتب بر عمل و بعد از عمل محقق نمی‌شود پس چیزی که وجود خارجی آن بعد از عمل نیست نمی‌تواند داعی باشد، ما در مقدمه‌ای که ذکر شد گفتیم داعی، چیزی است که وجود خارجی آن و تحققش بعد از عمل است و گفتیم داعی در عبادات امتثال امر است که این امتثال امر که مقرب است بعد از عمل محقق می‌شود و آنچه که قبل از عمل است وجود تصویری و علمی آن است پس ما برای عبادات به داعی و قصد قربت نیاز داریم که وقتی این داعی به عمل ضمیمه شود به آن عبادت گفته می‌شود، وجود خارجی این داعی و مقربیت، بعد از عمل حاصل می‌شود و آن داعی، امتثال امر است؛ یعنی عمل را باید به داعی امتثال امر انجام دهیم و عمل را نمی‌توانیم به داعی خود امر انجام دهیم؛ چون وجود خارجی امر قبل از عمل است.

با ملاحظه نکات مذکور وقتی ما می‌خواهیم اطراف علم اجمالی را اتیان کنیم واجب اول به داعی احتمال امر اتیان می‌شود و واجب دوم هم به داعی احتمال امر اتیان می‌شود، در حای که احتمال امر صلاحیت داعویت ندارد؛ چون سابق بر عمل است و داعی قریبی چیزی است که مترتب بر عمل و بعد از عمل باشد لذا احتمال امر، صلاحیت داعویت ندارد پس ما نمی‌توانیم این دو عمل؛ یعنی نماز ظهر و جمعه را به داعی امتثال امر و تحقق موافقت اتیان کنیم؛ چون موافقت وقتی حاصل می‌شود که امر از قبل معلوم باشد و امر را بدانیم و عمل انجام شود و عقل این عمل را با امر مقایسه کند که اگر موافق با امر بود مکلف مطیع و ممتثل شمرده می‌شود، پس موافقت با امر وقتی حاصل می‌شود که ما امر را بدانیم تا عقل بتواند تشخیص دهد اطاعت و امتثال تحقق پیدا کرده یا خیر اما در جایی که ما علم به تعلق امر نداریم مثل ما نحن فیه که فقط احتمال امر را می‌دهیم اگر بخواهیم اطراف شبهه را به داعی احتمال امر انجام دهیم مستلزم تشریح محرم است.

ایشان در ادامه می‌فرماید درست است که یکی از این دو عمل موافق با امر هست ولی چون مکلف آن را بعینه نمی‌داند لذا در حین اتیان عمل دو داعی دارد؛ مثلاً وقتی نماز جمعه را می‌خواند دو داعی دارد که یکی تحصیل موافقت است و داعی دیگر تخلص از مشقت و سختی علم به تکلیف است؛ چون تفصیلاً علم ندارد و دنبال تحصیل علم هم نرفته و برای اینکه از مشکل عدم علم رها شود هر دو طرف شبهه را انجام می‌دهد، وقتی هم که نماز ظهر را می‌خواند دو داعی دارد که یکی تحصیل موافقت است که قریبی است و داعی دیگر تخلص از مشقت و سختی تحصیل علم به تکلیف است که یکی از این دو داعی الهی و قریبی است و دیگری دنیوی و عقلانی است که عقل می‌گوید حال که علم تفصیلی به تکلیف نداری هر دو طرف شبهه را انجام بده و هیچ کدام از این دو داعی بر مورد خودش منطبق نیست؛ یعنی این گونه نیست که داعی قریبی الهی بر آن عملی که به حسب واقع واجب است منطبق شود و آن داعی دنیوی عقلانی بر آن عملی که واجب نیست منطبق شود لذا از آنجا که مکلف نسبت به این دو عمل از حیث این دو داعی علی السویه است؛ یعنی این دو داعی هم در مورد

واجب اول محتمل است و هم در مورد واجب دوم نتیجه این می‌شود که بالاخره آن واجب به قصد قربی و داعی الهی محقق نشود.

ایشان در آخر می‌فرمایند: شاید اینکه شیخ فرمودند تکرار عمل عبث و لعب به امر مولی است منظور همین باشد که داعی قربی در این صورت تحقق ندارد که اگر منظور شیخ این باشد اشکال کسانی که به شیخ ایراد گرفته‌اند که ممکن است تکرار عمل به داعی عقلانی باشد وارد نیست؛ چون اصل اشکال شیخ این است که عمل به یک داعی غیر الهی واقع شده و این مخل به مقربیت عمل عبادی است نه اینکه فعلی به آن ضمیمه شده باشد که آن فعل جداگانه یک داعی غیر عقلانی داشته باشد، پس شاید شیخ هم می‌خواهد همین سخنی را بگوید که ما گفتیم؛ یعنی شیخ نمی‌خواهد بگوید ما یک عمل را به داعی قربی انجام می‌دهیم و عمل دیگر را به داعی غیر قربی که مثلاً یک غرض عقلانی و عقلانی باشد که تخلص از مشقت و سختی تحصیل علم به تکلیف است بلکه شیخ هم می‌خواهد بگوید که در مورد هر عمل این مشکل وجود دارد که دو داعی در مورد آن عمل محتمل است که یکی قربی و دیگری دنیوی عقلانی است.

سؤال: در فرضی هم که احتیاط مستلزم تکرار عمل نباشد باید گفت احتیاط مکفی نیست؛ چون در آنجا هم قصد قربت امکان ندارد در حالی که همه بالاتفاق قائلند در مواردی که احتیاط مستلزم تکرار نباشد امتثال اجمالی از امتثال تفصیلی کفایت می‌کند.

استاد: اگر احتیاط مستلزم تکرار نباشد مکلف می‌تواند عمل را به داعی قربی انجام دهد؛ چون کسانی هم که قصد قربت را معتبر می‌دانند این گونه نیست که بگویند در هر جزء و شرطی از اجزاء و شرائط عمل هم قصد قربت جداگانه لازم است بلکه اصل عمل است که محتاج قصد قربت است تا به وسیله آن عمل، مقربیت حاصل شود؛ مثلاً وقتی که انسان شک دارد در نماز ظهر قرائت را باید جهراً بخواند یا اخفاً، احتیاط می‌کند و یک بار با صدای بلند و یک بار هم آهسته می‌خواند و این مخل به مقربیت نیست؛ چون آنچه که لازم است این است که اصل عمل همراه با قصد قربت باشد و داعی قربی داشته باشد نه اینکه تک تک اجزاء و شرائط عمل هم باید داعی قربی داشته باشند، بلکه آنچه که باید رعایت شود این است که ناقضی برای داعی قربی نباشد و اگر مکلف قرائت را تکرار کرد و یک بار جهراً و بار دیگر اخفاً بخواند ناقض داعی قربی نیست لذا در فرضی که احتیاط مستلزم تکرار نباشد قصد قربت امکان دارد و مکلف می‌تواند عمل را به داعی قربی انجام دهد.

البته این اشکال در صورت امتثال اجمالی (احتیاط) با فرض عدم تمکن از امتثال تفصیلی وارد است؛ چون در آنجا هم قصد قربت امکان ندارد در حالی که همه بالاتفاق قائلند در فرض عدم تمکن از امتثال تفصیلی، امتثال اجمالی (احتیاط) کفایت می‌کند که به طور مفصل به این اشکال اشاره خواهیم کرد.

بررسی کلام صاحب منتقی الاصول:

به نظر ما چند اشکال به کلام صاحب منتقی الاصول وارد است و کلام ایشان از چند جهت محل تأمل است:

اشکال اول:

ایشان ادعا کردند تقریبی که ما ذکر می‌کنیم غیر از تقریبات مذکور در کلمات دیگران است و ادعا می‌کنند بیان ایشان بر عدم اکتفاء به امثال علمی اجمالی از امثال تفصیلی مستقل از بیان دیگران است در حالی که به نظر ما اساس این فرمایش مربوط به شیخ انصاری است و این کلام تقریب مستقلی غیر از آنچه که مرحوم شیخ فرموده‌اند نیست و فقط از حیث عبارت با هم متفاوتند، مرحوم شیخ انصاری در بیان دلیل بر عدم اکتفاء به امثال علمی اجمالی و عدم جواز احتیاط در عبادات به گونه‌ای که مستلزم تکرار باشد فرمودند احتیاط در عبادات و امثال علمی اجمالی مستلزم تشریح است و تشریح هم حرام است؛ چون قوام عبادیت به قصد قربت است و لازمه رعایت این مسئله این است که در اتیان به هر دو محتمل این معنا رعایت شود؛ یعنی هر دو را به قصد قربت انجام دهد در حالی که یقین دارد یکی از این دو اصلاً مقرب نیست، پس احتیاط یا امثال علمی اجمالی مستلزم این است که چیزی را که در شریعت عنوان مقربیت ندارد به عنوان مقرب و قصد قربت بیاورد و این تشریح محرم است و اگر هم قصد قربت نکند اصلاً احتیاط محقق نمی‌شود پس اگر بخواهد قصد قربت بکند تشریح محرم است و اگر هم قصد قربت نکند اصلاً احتیاط و امثال علمی اجمالی نیست. وقتی فرمایش مرحوم شیخ را با فرمایش صاحب منتقی الاصول (مرحوم روحانی) مقایسه می‌کنیم می‌بینیم تنها تفاوتی که بیان ایشان با بیان مرحوم شیخ دارد از حیث عبارت است؛ یعنی عبارات این دو بزرگوار با هم تفاوت دارد و گرنه حقیقت کلام هر دو یکی است؛ چون ایشان می‌گویند اگر مکلف بخواهد امثال علمی اجمالی بکند لازم می‌آید که هر یک از دو طرف شبهه دو داعی داشته باشد؛ یک داعی الهی و یک داعی دنیوی و غیر الهی که این با مقربیت منافات دارد و فرمایش شیخ هم همین مطلب را اشاره می‌کند که امکان ندارد مکلف هر دو عمل را به قصد قربت انجام دهد؛ چون یقین دارد یکی از این دو اصلاً مقرب نیست. پس اینکه صاحب منتقی الاصول می‌گوید تقریبی که ما ارائه می‌دهیم غیر از تقریبات دیگران است صحیح به نظر نمی‌رسد.

بحث جلسه آینده: سه اشکال دیگر به کلام صاحب منتقی الاصول وارد است که انشاء الله آنها را در جلسه آینده ذکر خواهیم کرد.

«والحمد لله رب العالمین»